

جلوه‌هایی از سلوک علمی، اخلاقی و فقهی آیت‌الله العظمی شبیری زنجانیرحمۃ‌الله علیه

ادامه از صفحه ۲

- ۵. درایت، حکمت سیاسی و پیوند با ارکان نظام**

عقلانیت و سعه صدر سیاسی ایشان کم‌نظیر است:

• در واقعه‌ای که برخوردی نامناسب با ایشان رخ داد، معظم‌له با درایت تمام از بروز تنش و دوقطبی‌سازی جلوگیری کردند؛ نه‌تنها اجازه ندادند، بیانیه‌ای در دفتر یا از جانب فرزندان صادر شود؛ بلکه حتی با برگزاری نشست اعتراضی اساتید در دفترشان مخالفت کردند تا مبدا مایه تضعیف حوزه شود.

• در مقطعی از ایام تنش‌های سیاسی، گروهی پس از اقامه نماز به ایشان اصرار می‌کردند که علیه رهبری موضعی بگیرند. معظم‌له دم در منزل قاطعانه گفتند: «شما گمان می‌کنید اگر آقای خامنه‌ای تضعیف شود یا نباشد، امام زمان ^{عجل‌الله تعالی فرجه‌الکامل} می‌آیند؟! اگر این عمود خیمه تضعیف شود، منافقین و سلطنت‌طلب‌ها می‌آیند!»

• پیوند عاطفی و صمیمانه ایشان با رهبر معظم انقلاب همواره برقرار بود؛ جلسات متعدد و غیرخبری پس از نماز صبح با حضور رهبری، آقای مروی و آقا سیدجواد در منزل ایشان منعقد می‌شد. در جریان پیگیری‌های حوزوی، هرگاه ایشان (همراه با آیت‌الله‌العظمی صافی^{رحمۃ‌الله علیه}) درباره احقاق حق یا بازگرداندن اموالی (همچون منازل شخصی مرتبط با آیت‌الله شریعتمداری) وساطت می‌کردند، رهبر شهید انقلاب ^{رحمۃ‌الله علیه} دستور اقدام صادر می‌کردند.

• پس از تشییع پرشکوه رهبر شهید، ایشان در اتوبیل به بنده فرمودند: «این تشییع پیکر عظمت عجیبی پدید آورد؛ موجب عظمت تشییع، عظمت دین و عزت روحانیت شد» و شخصا در مراسم ترحیم حرم مطهر حضور یافتند. همچنین در دیداری با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی، پیرامون ابعاد شخصیتی رهبر معظم انقلاب گفتند: «من نمی‌توانم حق ایشان را آن‌گونه که شایسته است، ادا کنم.»

- ۶. اهتمام به اقامه نماز، نظم و بهره‌وری از فرصت‌ها**

ایشان حدود ۴۵ سال (پس از ارتحال والد جلیل‌القدرشان، آیت‌الله حاج سیداحمد زنجانی در سال ۱۳۵۲ شمسی/۱۳۹۳ قمری) امامت جماعت نماز ظهر و عصر در مدرسه فیضیه و مغرب و عشا در حرم مطهر حضرت معصومه ^{علیها السلام} را برعهده داشتند.

نکته آموزنده، دوری کامل ایشان از تشریفات و نام‌خواهی بود؛ در سال‌هایی که آیت‌الله مرعشی نجفی یا آیت‌الله گلپایگانی^{رحمۃ‌الله علیه} نماز می‌خواندند، ایشان با کمال طیب نفس، امام جماعت نوبت دوم یا سوم بودند؛ حتی در دوره‌های بعد، وقتی بزرگوارانی چون آقای صلواتی یا آقای مسعودی کاشانی نوبت اول اقامه می‌کردند، ایشان در اتاق جلوی محراب (در شبستان امام خمینی) می‌نشستند، هنگام خروج آنان با تجلیل



ادامه از صفحه ۳

- خطاب به مسئولان کشور**

تمایلات شخصی انسان‌ها در عمل آنان تأثیر می‌گذارد. یکی از این تمایلات، التفات به شخصی است که انسان مدت‌ها با او رفیق بوده و از سوی دیگر کسانی هم که با هم مدت‌ها رفیق اند، از یکدیگر توقعاتی دارند.

شما مسئولان هم رفقای زیادی دارید که از شما بسیار توقع دارند. در این مواقع انسان گاهی برای جلب رضایت رفیقش به او پستی‌واگذار می‌کند که اگر در مورد همین شخص خالی‌الذهن بود، این سیمت را به او نمی‌داد. در چنین مواقعی انسان باید خود را خالی‌الذهن فرض کند و بر اساس آنچه مصالح مردم و کشور است، تصمیم بگیرد؛ البته این‌گونه عمل‌کردن بسیار مشکل است و به‌همین جهت نزد خداوند نیز پاداش بسیاری دارد.

می‌خواستند به میرسید عبدالباقی، پسر سیدحسن مدرّس، پست و مقام بدهند؛ اما مدرّس با این کار موافقت نکرد. میرزا علی‌آقای شیرازی، پسر میرزای شیرازی، مرجع تقلید و در نجف بود. یکی از عشّاق او که خود از عالمان و ادیبان تراز اول نجف بود،^۲ خانه نداشت. خواستند برای او منزلی بخرند؛ اما میرزا علی‌آقا که درباره سهم امام ^{علیه السلام} خیلی سخت‌گیر بود، اجازه نداد از وجوهی که در اختیار اوست، برای آن عالم منزل بخرند؛ درحالی‌که او فرد لایقی بود و به‌ویژه ارادت خاصی به بیت میرزا داشت، برای رفع این مشکل به علمای دیگر مراجعه کردند و آنها



تمام دست می‌دادند و روبوسی می‌کردند و سپس برای اقامه نماز دوم برمی‌خاستند، بی‌آنکه کمیت جمعیت یا عنوان امامت اول برایشان کمترین اهمیتی داشته باشد. ایشان در فاصله نشستن در آن اتاق تا فرارسیدن وقت نماز، وقت را به بطالت نمی‌گذراندند؛ قرآن یا ترجمه‌های متداول (مانند ترجمه حجت‌الاسلام والمسلمین انصاریان یا آیت‌الله مشکینی) را از حیث دقت‌های نحوی و بلاغی بررسی می‌کردند. خاطرم هست در آیه شریفه «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَثْنَىٰ... فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» اشکال کردند که کلمه «صالحاً» نمی‌تواند مفعول‌به باشد؛ زیرا اگر مفعول‌به باشد، یعنی هرکس تنها یک عمل صالح انجام دهد، به حیات طیبه می‌رسد؛ درحالی‌که چنین نیست و باید وجه نحوی دیگری در ترکیب آن جست‌وجو کرد.

- ۷. وسعت تتبع در علوم تاریخی، ادبی و رجالی**

احاطه معظم‌له فراتر از فقه و اصول مصطلح بود:

• تسلط شگفت‌آور بر تاریخ مشروطه، تاریخ صفویه و تراجم متأخرین؛ به‌گونه‌ای که بر متن «نقباء البشر» شیخ آقابزرگ تهرانی بیش از صدها مورد تعلیقهِ تحقیقی زده و خطاها را اصلاح کرده‌اند.

• نقد ادبی و تاریخی بر آرای علامه محمد قزوینی؛ در همایشی پیرامون یکصدمین سال بازتأسیس حوزه در تهران، برخی ادعا کردند، حوزه به ادبیات و تاریخ نپرداخته است. در پاسخ، نقدهای دقیق آیت‌الله شبیری بر علامه قزوینی در مقدمه تفسیر روض‌الجنان ابوالفتح رازی و تعلیقات دیوان حافظ را یادآور شدم که گواهی بر عمق تسلط ایشان بر دقایق ادب فارسی است.

- نکته‌سنجی‌های ظریف ادبی؛ روزی درباره بیت مشهور:

طی نگشته کودکی، پیری رسید
از کتاب عمر من فصل شباب افتاده است
گفتند مصرع دوم نقص منطقی دارد؛ زیرا طبق مصرع اول، باید چند برگ از دوران کودکی هم افتاده باشد و برای تصحیح باید گفت:

تا که شد طی کودکی، پیری رسید
از کتاب عمر من فصل شباب افتاده است
یا درباره شعر عامیانه‌ای که مداحی می‌خواند:

نمازی بی ولّای او عبادتی است بی‌وضو
به منکر علی بگو نماز خود قضا کند
فرمودند: نمازی که بی ولّاء باشد، قضایش نیز باطل و بی‌فایده است؛ باید گفته شود: به منکر علی بگو نماز با ولا کند.

- ۸. روش‌شناسی اجتهادی؛ تأکید بر منابع دست‌اول و دقت‌های ویرایشی**

در روش تحقیق فقهی و اصولی، همواره بر مراجعه مستقیم به «منابع دست‌اول» اصرار می‌ورزیدند و هرگز به نقل‌های کتب متأخری چون جواهرالکلام یا مکاسب اکتفا نمی‌کردند؛ چراکه بسیاری از خطاهای فتوایی متأخران را ناشی از اعتماد به منابع واسطه می‌دانستند.

دقت ایشان تا بدان حد بود که حتی در مسائل ویرایشی کتابی چون غایة‌المراد، گوشزد کردند که قرارگرفتن یک علامت نگارشی (ویرگول) در فلان فراز متن، جایگاه مخفی پیدا کرده و مایه انحراف مخاطب از مراد اصیل مصنف شده است.

- ۹. فنای در اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} و سلوک مردمی**

علاقه و ارادت ایشان به ساحت خاندان عصمت و طهارت ^{علیهم‌السلام} شگفت‌آور است؛ مجالس روضه هفتگی و ماهانه ایشان ترک نمی‌شد و بارها دیده شد که هنگام نام‌بردن از ذوات مقدسه، چنان منقلب می‌شدند که از شدت گریه کلام‌شان قطع می‌گردید. با وجود این مقام علمی رفیع، هرگز حاضر نشدند، شرح‌حال خودنوشت تهیه کنند. وقتی عرض کردم: بزرگانی چون علامه حلی ^{رحمۃ‌الله علیه} در خلاصه‌الأقوال، شیخ عباس قمی در فوائد‌الرضویه و آیت‌الله خویی در معجم رجال‌الحديث زندگی‌نامه خود را آورده‌اند، متواضعانه فرمودند: «آنان از بزرگان و استوانه‌های دین بودند و شرح‌حالشان مایه هدایت است؛ اما نوشتن از زندگی امثال من، چه ارزشی برای مردم دارد!»

در پاسخ‌گویی به مراجعات مردمی، صبری بی‌انتهای داشتند؛ در مسیر بازگشت از حرم، اگر نوجوانی سؤالی ساده یا خصوصی می‌پرسید، کنار می‌ایستادند و باطمیننه به گفت‌وگو می‌نشستند. در مجالس ترحیم، بی‌هیچ تکلفی شرکت می‌کردند؛ چنان‌که در رحلت پدر کشاورز بنده یا مجلس ترحیم والد‌ه‌ام، بدون دعوت قبلی تشریف آوردند و تا سال‌ها بعد، اگر می‌خواستند به منزل‌مان بیایند، با ملاطفت می‌پرسیدند: مبدا پله‌های خانه برای ورودشان مانع باشد.

- فرجام سخن**

به یاد می‌آورم ماجرابی را که از آیت‌الله بهجت ^{رحمۃ‌الله علیه} شنیدم: ایشان می‌فرمود: در نجف اشرف، شخص فقیری نسخه خطی نفیس «شرح اصول کافی» اثر ملاصالح مازندرانی را می‌فروخت. من آن را برای حاج شیخ عباس قمی ^{رحمۃ‌الله علیه} خریداری کردم. حاج شیخ عباس با اینکه کتاب را خریده بود، بارها مرا فرستاد تا اطمینان یابم صاحب نسخه از فروش آن به آن قیمت ارزان پشیمان نشده یا متضرر نگشته باشد. سال بعد نیز که از سفر ایران بازگشت، دوباره جویای احوال آن فروشنده شد. سپس آیت‌الله بهجت با حسرت گفتند: «آیا این کارخانه حوزه، بار دیگر شخصیتی همچون حاج شیخ عباس قمی تحویل خواهد داد؟».

باید گفت وجود آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی^{رحمۃ‌الله علیه} مظهر همان طهارت نفس، علم سرشار، دقت نظر و تواضع ملکوتی سلف صالح بود. امیدواریم حوزه‌های علمیه دردران چنین استوانه‌های بی‌بدیلی باشند.

ویرایش و تنظیم: حمید کرمی

منشور زیست طلبگی و سلوک اجتماعی

نصایح و توصیه‌های اخلاقی، علمی و اجتماعی به طلاب

فرازهایی منتشرنشده از جلد پنجم کتاب گران‌سنگ «جرعه‌ای از دریا»

رسیدگی بهضعفای مردم مسلمان باشد.^۱

کسانی که متصدّی امور خیر و کمک به ضعفای خلق هستند، از این نظر امتیاز دارند و نعمتی است که باید اهل خیر، شاکر خدا باشند که به دست آنها، این خیر انجام می‌شود. دیگران نیز باید از این اقدامات با زبان قال و حال تشکر کنند.

یکی از برکات مراکز خیریه و به‌طور کلی کارهای خیر این است که گاهی این اقدامات خیر، الگویی برای کارهای خیر و سبب ترغیب افراد دیگر به انجام‌دادن خیر می‌شوند. قهراً این امر سبب می‌شود که ثواب تمام اعمال خیر بعدی برای بانیان اولیه آن نیز ثبت شود و اگر با صد واسطه نیز عمل خیری واقع شود، بنیان‌گذار خیر، شریک در ثواب آن خواهد بود.^۲

در میان اعمال خیری که سبب قرب الهی می‌شود، حلّ مشکلات مردم و خدمت به گرفتاران جزو امور درجه اول است. درجه اول بودن آن، در روایات تصریح شده و کسانی که در مسیر سلوک و معنویات هستند، این مطلب را تصدیق می‌کنند. پاداش معنوی رفع گرفتاری بندگان خدا بسیار است؛ علی‌الخصوص اگر رفع گرفتاری از شیعه باشد که این کار از اقرب قریات است. نقل شده است که گاهی حضرت سجاد ^{علیه السلام} قریانی می‌کردند و دستور می‌دادند، گوشت بین همه همسایه‌ها از جمله حروریّه که گروهی از خوارج بودند، تقسیم شود.^۳ (۱/۲۴۴:۱۳۸۴ش)

- عقوبت بی‌توجهی به حقوق حیوانات**

آقای فاضل (از منبریی‌های معروف تبریز) می‌گفت: من در تبریز (ظاهراً) منبر می‌رفتم و ایام محرم بود و پول زیادی هم داشتم. به من گفتند: در خوی (ظاهراً) حفّالی هست که هر چیزی به او بدهند، می‌خورد و سیر نمی‌شود. من هم برای اینکه او را امتحان کنم، چندین خرزیه خریدم و به او اودام و او همه خرزیه‌ها را خورد و سپس گفت: «ای آقا، زیاد خرج نکن، من سیر بشو نیستم!» گفتم: چطور چنین شدی؟ گفت: «من نفرین‌شده سگی هستم. زمانی من غذا می‌خوردم و سگی به لقمه‌های من نگاه می‌کرد و من هیچ اعتنایی نمی‌کردم تا اینکه غذا تمام شد و خرده‌های باقیمانده غذا را هم خوردم و آن سگ همچنان نگاه کرد. وقتی سگ دید که همه غذا تمام شد، زوزه‌ای کشید و رفت. بعد از این قضیه من دیگر سیر نمی‌شوم.» (۱۶/۳۷۶:۱۳۷۴ش)

- توصیه به ازدواج**

• سؤال: طلبه مبتدی هستم و قصد ازدواج دارم؛ ولی اساتید ما می‌گویند: فعلاً درس بخوانید و دیرتر ازدواج کنید!

پاسخ: این حرف‌ها هیچ درست نیست! حتماً ازدواج کنید. جوان باید ازدواج کند. یاد‌کنه‌ا یا فکر‌کنه مانع پیشرفت می‌شود. منتهی باید سعی کنید، آن چیزهایی را که شرع برای ازدواج در نظر گرفته، ملاک قرار دهید. گاهی بعضی‌ها خیز می‌گیرند و همسری انتخاب می‌کنند که اندکی پُر ظاهری دارد؛ ولی محتوای مثبتی ندارد. آنها چهار روز خوش‌اند؛ ولی بعد از آن هر روز دعا دارند. کسی را به همسری انتخاب کنید که اهل زندگی، نجیب، متکین و قیافه‌اش هم متناسب باشد. ملاک باید این جهات باشد. (محرم ۱۴۳۰)

- پی‌نوشت**

۱. آمالی، شیخ صدوق، ص۴۰۰، مجلس ۶۲، ص۱۷.
۲. رک: بحارالانوار، ج۹۳، ص۳۵۷؛ «ومن تلا فیّه آیه من القرآن کان له مثل أجر من ختم القرآن فی غیره من الشهور».
۳. الکافی، ج۲، ص۱۳۶، باب ذمّ الدنیا والزهّد فیها، ص۲۳.
۴. اشاره به علامه میرزا محمدعلی غروی اردوبادی است.
۵. ابن مطلب از پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} در کتب حدیثی نقل شده است: از جمله در خصال ص۵۳ آمده است. قال رسول‌الله ^{صلی الله علیه و آله} فی حدیث طویل: «المرء لاثلة: امر تبین لک رشفه فاثّبعه وامر تبین لک غیة فاجتنبه وامر اختلف فیہ فردّه إلی الله» و روایت کامل آن در آمالی صدوق، مجلس ۵۰، ج۱۱ و معانی‌الآخبار، ص۱۹۶. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۴۰۰، ۵۸۵۸. در مصادر بسیاری نیز از پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} نقل شده است: «حلال بین وحرّم بین وشبهات بین ذلک... الحدیث، رک: مسند أحمد، ج۳، ص۲۸۹ و حاشیه آن: کافی، ج۱، ص۶۷، باب اختلاف الحدیث، (م.ج. شبیری)
۶. رک: الکافی، ج۳، ص۵۰۲، باب السعی فی حاجة المؤمن؛ ص۵۰۸، باب تفریح کرب‌المؤمن.
۷. از پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} روایت شده است: «من سنّ سنة حسنة فله أجرها وأجر من عمل بها (الی یوم القیامة) من غیر أن ینقص من أجورهم شیء» (کافی، ج۵، ص۹، باب وجوه الجهاد و نیز رک: محاسن، ج۱، ص۲۷؛ خصال، ص۲۴۰ و نظیر آن در مصادر بسیار از عامه از جمله مسند احمد بن حنبل، ج۱۶، ص۳۲۶؛ ج۳۱، ص۵۱۹ و ۵۲۶ و ۵۲۸)، شبیه این‌گونه ثواب برای تعلیم خیر در روایات وارد شده است. رک: کافی، ج۱، ص۳۵، ج۲، باب ثواب العالم والمعلّم، (م.ج. شبیری)
۸. تهذیب الأحکام، ج۵، ص۴۸۴؛ ج۱۷۲۱: «... من هارون بن خارجة عن أبي عبد الله ^{علیه السلام}: إنّ علی بن الحسین ^{علیه السلام} کان یطعم من ذبیحته الحروریة، قلت: وهو یعلم أنهم حروریة؟ قال: نعم». مولى محمدتقی مجلسی در روضه المتقین، ج۵، ص۱۹۱ درباره این حدیث آورده است: «یمکن حمله علی النقیة او لیبان الجواز او لتألیف قولهم:» مرحوم فیض کاشانی، ج۱۲، ص۱۱۶۳ آورده است: «الحروریة طائفة من الخوارج ولعلّه ^{علیه السلام} إمّا کان یطعمهم لتألیف قولهم فلا ینافی الحدیث الاّتی» و نیز رک: ملاذ‌الآخبار، ج۸، ص۵۶۱، (م.ج. شبیری)